

درآمدی بر فقه اجتماعی از دیدگاه مکتب اجتهادی شهید صدر

□ سید محمد حسین حسینی *

چکیده

یکی از مباحث مهم و مورد نیاز جامعه اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی نگاه ویژه به فقه اجتماعی است. در دوره چهل سال ابتدایی انقلاب اسلامی، هنوز در علم فقه نگاه فرایندی و سیستمی، اشباع نگردیده است. بنابراین در گام دوم انقلاب باید برای فقه فعال و پاسخگو به نیازهای معاصر جامعه اسلامی اهتمام ورزید. در این راستا در عرصه اجتماعی، فقه اسلامی خلأهای بسیاری دارد که در دو حوزه، قابل بررسی و کنکاش است: حوزه اول، تکمیل ابواب فقه کلاسیک و نگاه اجتماعی در استنباطات فقهی است. حوزه دوم تأسیس فقه اجتماعی در کنار فقه های مضاف دیگر و ایجاد ابواب فقهی نوین است. عرصه های اجتماعی و حکومتی خواهد بود. ویژگی فقه اجتماعی، غلبه نگاه کلان نگر فقهی بجای نگاه فردی و مکلف دانستن فرد در جامعه بجای فرد محض، در کنار مکلف دیدن نهادهای اجتماعی و خود جامعه از طرف دیگر می باشد که به تدوین و پیشرفت این دانش نوین کمک شایانی خواهد کرد. بنابراین وظیفه فقیه جامعه شناس، شناخت واقعیت و واکاوی پدیده های اجتماعی و استنباط فقهی براساس منهج فقه اجتماعی است. استنباطات فقهی امام خمینی ره، مقام معظم رهبری و شهید صدر نمونه ای از نگاه اجتماعی و نظام ساز به جامعه اسلامی و تلاش برای تحقق عینی و عملی دین در جامعه می باشد. در این راستا شهید صدر را می توان اولین تئوریسین فقه اجتماعی دانست که از واقعیت جامعه به سوی متن با طرح سوالات متعدد و گفتگو با نصوص دینی و استنباط از آنها، به تأسیس فقه نظامات اجتماعی و حل پرسشهای اجتماعی پرداخته است. منظومه فکری ایشان براساس نظریه اجتماعی قرآن و نظریه خلافت انسان است که به تولید نظریه اجتماعی و فقه اجتماعی انجامیده است.

کلیدواژه: فقه اجتماعی، فقه نظام ساز، فقه پویا، همبستگی اجتماعی، شهید صدر، نظامات اجتماعی.

* دانشجوی دکتری رشته دانش اجتماعی مسلمین مجتمع عالی فقه، جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمية.

مقدمه

یکی از مباحث ضروری و کارآمد برای نظام سازی اجتماعی، بررسی فقه اجتماعی یا فقه الاجتماع و یا فقه نظام است. با توجه به افق فرارو در گام دوم انقلاب اسلامی لازم است که ما علم فقه را در یک چیدمان جدید و کاربردی منطبق بر نیازهای زمان، طرح کرده و وباتوجه به آن، اقدام و عمل کنیم.

اهمیت فقه اجتماعی این است که همانطور که جامعه شناسی، فقه علم مدرن به حساب می آید فقه اجتماعی نیز پنجره ای برای نظام سازی جامعه اسلامی بوده و ساختار فراگیر یک دولت و جامعه اسلامی را شکل دهد.

نگاه فقه اجتماعی یک نگاه سیستماتیک و شبکه ای است که از نگاه فردی موضوعات را چپش نمی کند بلکه رویکرد آن به موضوعات و مسائل، اجتماعی است و مکلف را از فرد به کنشگرا اجتماعی از جمله حکومت، نهاد یا گروه های اجتماعی تغییر می دهد.

فقه اجتماعی، شاکله حکومت را براساس سیستم امام - امت در برابر سیستم ملت - دولت قرار می دهد. سیستم امام - امت در کنار ولایت پذیری و ولایت مداری که نوعی اقتدا به مقتداست ما را به مردم سالاری دینی می - رساند. فقه نهادی با نگاه سیستماتیک و رویکرد کلان نگر خود و نسبت سنجی امور کلی و جزئی و همچنین کل و جزء و برتری دادن کل و کلی بر جزء و جزئی است که محور بحث آن ترجیح منافع و اهداف جامعه اسلامی بر منافع و اهداف گروه ها و افراد در راستای پیشرفت جامعه اسلامی بوده و منجر به اصلاح و پیشبرد جامعه اسلامی خواهد شد.

هدف فقه اجتماعی این است که فقه کارآمد را جایگزین فقه ناکارآمد و سنتی کرده و پاسخگوی بسیاری از مسائل اجتماعی و حکومتی باشد. منشأ این بحث شکل گیری سوالات بسیار زیاد اجتماعی است که فقه سنتی با آن مواجه نبوده و یا از پرداختن به آن یاغفلت کرده و یا این سوالات برای او برجسته نبوده است. آنچه امروز باید بدان پرداخت نه کنار گذاشتن فقه کلاسیک بلکه به روز کردن سوالات و پاسخ های آن، متناسب با توقعات روز جامعه است. به عنوان مثال نگاه ما به باب صلات و طهارت از نگاه فردی خود به یک نگاه اجتماعی تبدیل شده و آثار اجتماعی این بابها و سوالات و پاسخهای درخور آن داده شود. همچنین ابواب جدیدی در فقه ایجاد می گردد

که با نگاه سیستماتیک وکلان خود مشکلات فقه اجتماعی را برطرف می سازد. مع الاسف آتش نگاه سکولاری که در جامعه وجود دارد، به جان حوزه افتاده، و رویکرد حوزه را درمسائل اجتماعی به انزوا کشیده است و این مسئله بیشتر به جهت فقدان الگو و نظام فکری درحوزه فقه اجتماعی به معنای عام خودش است یعنی فقهی است که به مسائل و بایدها و نبایدهای مربوط به همه حوزههای جامعه پاسخ می دهد که بخشی از آن بایدها و نبایدهای اجتماعی است. در گام دوم انقلاب اسلامی باید این نقص حوزه های علمیه جبران شده و حوزه به فقه های مضاف خصوصاً فقه اجتماعی ورود کند و نسخه های پیشرفته ای برای نظام سازی جامعه اسلامی تدوین کند. اولین کسی که در حوزه اجتماعی اطلاع از جامعه شناسی را لازم دانسته و خود به اجتهاد در این حوزه پرداخته، شهید صدر است که در مقدمه کتاب فلسفتنا نگاه اجتماعی خود را تبیین کرده و در کتابهای اقتصادنا و المدرسة القرآنیة و کتاب الاسلام یقود الحیاة به مباحث اجتماعی پرداخته است. شاگرد ایشان، استاد سید منذر حکیم، منظومه فکری ایشان را در کتاب مجتمعا، ارائه کرده که در نوع خود، بدیع است و مباحث فقه اجتماعی را برمنهج ایشان پیگیری کرده که دراین مقاله از مصاحبه ها و درس خارج در تبیین اندیشه اجتماعی شهیدصدر بهره برده ایم.

حکمت عملی و فقه اجتماعی

قدم اول دراین راه شکل بندی و پیکربندی براساس الگوی معاصر نظام اسلامی و نیازهای جامعه اسلامی است.

دراین راستا ما حکمت را به دودسته نظری و عملی تقسیم میکنیم. حکمت نظری به هست و نیست ها و حکمت عملی به بایدها و نبایدها می پردازد. (رک جوادی، محسن ۱۳۹۱: ۳۴، رک فارابی ۱۹۹۶م: ۸۰) فلسفه اجتماعی در این تقسیم در حکمت نظری و فقه اجتماعی - که به بایدها و نبایدهای اجتماعی می پردازد- در حکمت عملی قرار می گیرد. بنابراین پایه نظری فقه اجتماعی و تبیین مبانی و کشف زیرساختهای جامعه به عهده فلسفه علم فقه اجتماعی و فلسفه الاجتماع و علم کلام و علوم دیگر است که باید بدان پردازند. (رک سبحانی جعفر، گردآوری

واحد پژوهش مدرسه عالی نواب ۱۴۳۱: ۸۳ و رک حسین زاده ۱۳۸۸: ۱۸۹) البته شهید صدر بحث نظامات را داخل در علم فقه می کند که در تبیین مدرسه اجتهادی ایشان، بدان پرداخته خواهد شد.

معنای فقه اجتماعی از دیدگاه مکتب شهید صدر

فقه اجتماعی به دو معنای عام و خاص بکار می رود. معنای عام آن شامل همه علوم است که به نحوی با جامعه مرتبط بوده و جامعه به آن محتاج است. به طور مثال فقه الاقتصاد و فقه التربية و فقه الطبابة را می توان در ذیل این مفهوم قرارداد. در حقیقت اضافه فقه اجتماعی در معنای عامش اضافه لامیه است که به مسائلی که مرتبط با جامعه است پرداخته و نوعی اختصاص مسائل فقهی به جامعه را می رساند. اما اصطلاح و معنای خاص فقه اجتماعی که بر آن فقه الاجتماع اطلاق می گردد، اضافه بیانیه است که به مسائل فقهی با ماهیت اجتماعی پرداخته و ناظر به باید ها و نبایدها با هویت اجتماعی است.

اقسام مکلف و تکلیف اجتماعی

مکلف یا فرد محض است و یا جامعه و قسم دوم یا فرد در جامعه است و یا خود جامعه (کلی مجموعی). مکلف در فقه اجتماعی قسم دوم و سوم است. استاد سید منذر حکیم از شاگردان شهید صدر، قائل است که همه فقه اجتماعی است و علم فقه، علمی فردی نیست. ولی گاهی تکلیف بر عهده تمام جامعه است و مخاطب فقه جامعه انسانی است و تکالیف جامعه انسانی به صورت جمعی مطرح می شود. گاهی هم فرد در جامعه مسئول اس. به عنوان نمونه شهید صدر معتقد بود ملکیت برای جامعه است و جامعه حق ندارد اموال جامعه را به سفیه بسپارد که آن ها را از بین ببرد. بر این اساس ملکیت فردی که شهید صدر تصویر می کند، ملکیت فردی است که تحت الشعاع ملکیت اجتماعی می باشد. لذا اگر این ملکیت فردی به ملکیت اجتماعی ضربه بزند، تخصیص خورده و محدود می شود.

از طرف دیگر، تمام واجبات کفایی، واجبات اجتماعی هستند مانند غسل میت که اگر بخشی از

جامعه متکفل انجام این احکام گردند از بقیه ساقط خواهد شد.

پیکربندی فقه

اگر بخواهیم محدوده فقه اجتماعی را مشخص کنیم باید پیکره علم فقه را شناخته و براساس آن حدود و ثغور و محدوده جغرافیای فقه اجتماعی را معین کنیم.

شهید صدر تمام ابواب فقه را در یک پیکربندی در چهار گروه تقسیم‌بندی می‌کند:

الف: عبادات.

ب: اموال که به اموال عمومی مانند خراج، انفال، خمس، زکات و اموال خصوصی که در دو مبحث اسباب شرعی تملك و احکام تصرف آورده می‌شود تقسیم می‌گردد.

ج: سلوك و آداب و رفتار شخصی که در دو گروه روابط خانوادگی و روابط اجتماعی مطرح می‌شود.

د: آداب عمومی که مربوط به سلوك و حکومت و مسائل عمومی جامعه از قبیل قضاوت و صلح و جنگ و روابط بین الملل و مباحث ولایت عامه می‌گردد. ((الفتاوی الواضحه، تألیف شهید سید محمد باقر صدر، ج ۴۵: ۱-۴۷)).

بحث فقه اجتماعی به معنای عام خود در تمام حوزه‌ها می‌تواند به نوعی ورود کند اما به معنای خاص خود بیشتر ناظر به مورد سوم و چهارم است که بیشتر بدان پرداخته خواهد شد.

گستره فقه اجتماعی

به عقیده علامه طباطبایی اسلام در تمام شؤون خود اجتماعی است (رک طباطبایی ۱۳۸۹: ۱۲۶) تعیین گستره فقه اجتماعی کمی ما را با مشکل مواجه می‌کند. ازطرفی اگر مکلف کنشگر اجتماعی باشد ما می‌توانیم در تمام ابواب فقه این نگاه و رویکرد را سریان داده و در همه ابواب تأثیرات اجتماعی احکام و تکالیف را بررسی کنیم مثلاً درباب صلاة، حکم تخریب مسجدی که در بلوار اصلی قرار گرفته چیست و آیا حکومت به عنوان یک مکلف اجتماعی، اجازه تخریب مسجد را دارد یا خیر؟ بنابراین چون متعلق حکم در اینجا مسجد است می‌توان این بحث را

در باب صلات نیز مطرح کرد. اما اگر ما به اعتبار مکلف، مسائل هنجاری را تقسیم کنیم می توانیم فقه کلاسیک و باب بندی آن را دست نخورده رها کرده و ابواب و رشته های جدیدی به فقه های مضاف اضافه کنیم. یعنی ما مکلف را با عنوان فردی در همین ابواب فقهی سابق گنجانده و مکلف به عنوان کنشگرا اجتماعی را در فقه الاجتماع داخل کنیم. با توجه به این بحث ما دو نوع گسترده و دامنه برای فقه اجتماعی می توانیم داشته باشیم که عبارت است از فقه اجتماعی بمعنی العام و بمعنی الخاص:

فقه الاجتماع بمعنی العام می تواند تمام ابواب فقه را شامل شود که در آن بنحوی از مسائل اجتماعی صحبت به میان آمده است و اکنون در نگاه کلان نگر فقه اجتماعی مسائل جدیدی با نگاه کلان به آنها افزوده می گردد.

ابواب فقه اجتماعی

شهید صدر و برخی شاگردان ایشان همچون استاد حکیم، فقه اجتماعی را به معنای عام گرفته و شامل نظامات مختلف فرهنگی اقتصادی و اجتماعی گرفته اند. (رک صدر: ۱۴۲۴، ج: ۱، ۴۵) اما برخی اساتید فقه الاجتماع ناظر به اصطلاح دوم به پیکربندی فقه الاجتماع پرداخته و آنرا به عنوان رشته ای در کنار رشته های فقه التریبه، فقه الاقتصاد و .. مطرح می کنند. براین اساس تعریف فقه اجتماعی به معنای دوم چنین است: بررسی فقهی کنش های اجتماعی بماهوا اجتماعی (رک مصاحبه با استاد مبلغی در موضوع فقه اجتماعی، مجله صدراشماره ۲۳: ۲۳۶) براساس اصطلاح دوم فقه الاجتماع شامل ابواب متعددی می گردد که در اینجا می توان بدان اشاره کرد:

- ۱- فقه فرهنگ: بحث شأن و منزلت اجتماعی، هنجارها و ناهنجاری های موجود در فرهنگ، رفتارهای طبقات مختلف فرهنگی و حرمت آن،
- ۲- فقه شهری: بررسی احکام شهری همچون بلندی ساختمان ها و عدم مشرف بودن ساختمان ها بر یکدیگر، سد معبر و .. نمونه ای از این مسائل است.
- ۳- فقه الحكومة: احکام و مسائل حکومتی و مسائل مربوط به نهادهای حکومتی مثل احکام

حکومتیولی فقیه مانند حرمت قمه زدن، تساوی بیمه زن و مرد، جواز تخریب مساجدی که در بلوار و جاده های اصلی بیافتد و همچنین فقه اطلاعات، فقه نظامی و.. را مثال زد.

۴- فقه الاداره: فقه مدیریت که مسائلی همچون احکام حیطة تصرف ریاست نهادها در اموال بیت المال و احکام تبعیت از مدیر حکومت اسلامی و .. شامل آن می گردد.

۵- فقه ارتباطات : در این باب می توان مباحث فقه رسانه، فقه مطبوعات، امر به معروف و نهی از منکر، ارتباط و دوستی با کفار، تعامل با فساق و.. را مثال زد.

۶- فقه خانواده: احکام مربوط به خانواده، روابط زن و شوهر و مسائل مرتبط با آن

۷- فقه گروهها و فرقه ها: در این باب فقهی به مسائل مختلف مربوط به گروهها و NGOهای مختلف در جامعه و هنجارهای مرتبط با آنها از جمله فقه فرق انحرافی و فرق ضالّه و مرتده و نحوه برخورد مردم با آنان، و حکم گروههای انقلابی مثل گروههای تولیدی جامعه پرداخته می شود. البته ممکن است این باب فقهی با باب های قبلی تداخل داشته و جزئی از آنها گردد.

ملاک تحقق مسئله فقه اجتماعی

باید گفت هم موضوع ما، در فقه الاجتماع، جامعه است که مکلف، جامعه تلقی می گردد و هم رویکرد و روش ما در استنباط فقهی در فقه کنونی، سیستماتیک تلقی می گردد. از طرف دیگر غایت ما در فقه اجتماعی تحقق دین در جامعه است که این تفاوت فقه اجتماعی معاصر را با فقه کلاسیک می رساند که غرض آن صرف تبیین بایدها و نبایدها و تعیین حکم مکلف بوده است. (رک مصاحبه با دکتر قاسم ابراهیمی پوردر موضوع فقه اجتماعی: <http://vasael.ir>) در حقیقت تحقق دین در جامعه با پیاده کردن ارزشها و هنجارهای مطلوب مبتنی بر عقلانیت قدسی به ثمر می نشیند. (رک نظری ۱۳۹۵: ۲۲۷) بنابراین باتوجه به نظریات مختلف در استنباطات فقهی، هرچند اکتفا به نصوص مبین حکم در اجتهاد مستند فتوای فقیه است ولی توجه فقیه به مقاصد و تفسیر نصوص مبین حکم در سایه مقاصد و در سایه لحاظ وفهم مجموعه دین و ادله، برداشت وی را از ادله شکل می دهد. (حسینی ژرفا، علیدوست ۱۳۸۸: ۴۷) در حقیقت ما در فقه اجتماعی برای فقیه یک مسئولیت ویژه ای در کنار افتاء قائل شده ایم و آن تلاش برای تحقق بایدها و نبایدها در جامعه است. شهید صدر از پیشقراولان این نظریه است که احکام شریعت را در

واقعیت های اجتماعی حیات انسانی سریان دهد و در ضمن افعال ظاهری متوقف نگردد. چرا که اگر اهداف شریعت در استنباطات فقهی لحاظ نگردد اسلام به یک سری مباحث پراکنده و بی ارتباط با یکدیگر تبدیل می گردد و فقیه در استنباطات خود به واقعیت و مصلحت اجتماعی هیچ توجهی نخواهد کرد در حالیکه جریان استنباط به دور از واقعیت اجتماعی که امت در آن زیست می کنند معنا ندارد. (رک رضا، السید عبدالمطلب ۲۰۱۴: ۱۲۵ و ۱۶۶) بنابراین مقاصد الشریعة یعنی اهداف فقه نظام، اهداف تشریع، اهداف آفرینش، اهداف بعثت انبیا، این موارد، خط روشنی را تشکیل میدهند که فقه باید این اهداف را در نظر بگیرد و تأمین کند و اگر فقه را اینگونه ندانیم، در واقع فقه را نفهمیده ایم. (مصاحبه با استادسید منذر حکیم، بهمن ۹۷: ijtihadnet.ir)

بنابراین غایت تحقق دین در جامعه غایت علم فقه اجتماعی است که خود این غایت، برای یک فقیه اجتماعی مسئولیت ساز بوده و هنجار تحقق دین در جامعه را به دوش او می کشد. بنابراین فقه اجتماعی با فقه کلاسیک در روش و غایت متفاوت است چراکه در فقه کلاسیک، روش اجتهاد و رویکرد فقیه، فردی است و بانگاه فردی و حتی گاهی بانگاه سکولار جدایی دین از جامعه و سیاست استنباط می شده است اما در رویکرد فقه معاصر این نگاه درسه بعد موضوع و روش و غایت به یک پیوستگی در تأسیس رشته فقهی جدید منجر می -گردد و دین را در تمام ساحت های اجتماعی بطور سیستماتیک و شبکه ای پیاده می کند. این همان امری است که حضرت امام خمینی صریحاً در نظریه فقه حکومتی خود مطرح کرده اند: "من از آن آدمها نیستم که اگر يك حكمی کردم بنشینم چرت بزنم که این حکم خودش برود؛ من راه می افتم دنبالش. اگر من خدای نخواسته، يك وقتی دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می کند که يك حرفی بزنم، می زنم و دنبالش راه می افتم و از هیچ چیز نمی ترسم بحمد الله تعالى. و الله، تا حالا نترسیده ام، آن روز هم که می بردند، آنها می ترسیدند؛ من آنها را تسلیت می دادم که نترسید". (صحیفه امام، ج ۱: ۲۹۳)

نگاه ایشان به فقه، تحقق عینی احکام در متن جامعه و حل معضلات اجتماعی می باشد که موجب قدرت -بخشی آن به مسلمانان خواهد بود: "حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و

کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسأله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۸۹)

فقه اجتماعی فقه تأسیسی یا غیرتأسیسی

نکته ای که ذکر آن حائز اهمیت است اینکه اگر ما موضوع فقه اجتماعی را جامعه یا نهادهای اجتماعی بگیریم تفاوت چندانی با فقه کلاسیک نداشته و تنها در تکمیل مباحث گذشته پیش رفته ایم و با این نگاه فقه اجتماعی یک فقه تأسیسی نخواهد بود. به عنوان نمونه اگر مراد از فقه اجتماعی را تنها بازنگری در ابواب فقه بارویکرد اجتماعی در نظر بگیریم به این معنا که در استنباطات فقهی خود، شرایط و بستر اجتماعی و تأثیر اجتماعی حکم حلال و حرام را لحاظ کنیم این معنا، تکمیل اجتهاد فقهی اعصار گذشته خواهد بود.

اما اگر ما نوعی پیوستگی در موضوع به معنای مکلف قراردادن جامعه یا نهادهای اجتماعی، استفاده از رویکرد اجتماعی و نگاه کلان نگر به پدیده های اجتماعی، و در غایت پیاده کردن فقه در اجتماع ایجاد کنیم به یک فقه تأسیسی خواهیم رسید که فقیه به دنبال سازش و سامان دادن بین عناصر فقهی و اجتماعی در هر مسئله ای است. (رک مصاحبه با دکتر مبلغی، مجله صدرا، ش ۲۳، ص ۲۴۰)

تأثیر دانش فقه اجتماعی در همبستگی اجتماعی

یکی از مباحث مهم دانش اجتماعی، بحث همبستگی و نظم اجتماعی است. (رک دورکیم، ترجمه پرهام ۱۳۹۶: ۶۳) دلالت این بحث بر محور آرامش جامعه و عدم تشتت و تشنج و پیوند و انسجام اعضای جامعه است. اگر این پیوند از هم گسیخته شود جامعه به تشنج و شورش کشیده می شود. و اگر این انسجام برقرار باشد به میزان نظم و ثبات جوامع و حضور اجتماعی و عدم حضور آنها متفاوت خواهد بود. برخی جوامع همچون ایران، از همبستگی بسیار بالایی

برخوردار بوده و توانایی فوق العاده ای برای حضور در مراسمات اجتماعی و محافل دینی دارد. و برخی جوامع همچون جوامع اروپایی، چنین توانایی ندارد و اگر نوعی انسجام ظاهری در جامعه حاکم است به جهت قوانین بسیار بازدارنده در مجازات متخلفین است. اما همبستگی اجتماعی در متن دین اسلام گنجانده شده و اساس آن بر محور ایمان به ولایت الهی و در راستای آن ولایت پیامبر اکرم علیهم السلام و معصومین گنجانده شده و پیوند بین امت - امامت یک پیوند ناگسستنی است که منجر به یک همبستگی و انسجام بسیار عمیق اجتماعی گردیده و جامعه را از استقامت و پایداری ویژه ای در برابر مشکلات و ناهنجاری ها و تبلیغات سوء دشمنان برخوردار کرده است.

در حقیقت یکی از ویژگیهای ارزشها و هنجارهای مطلوب اجتماعی، انسجام بخشی آن است (نظری ۱۳۹۵: ۲۳۴) و قرآن کریم از تفرق از صراط مستقیم و تبعیت از راههای دیگر نهی می فرماید. (انعام ۱۵۳)

یکی از شؤون این مقام، شأن تشریع و تبیین احکام و شأن دیگر آن اداره اجتماعی است. نتیجه این دو شأن امام، ایجاد احکام اجتماعی و در حال حاضر دانشی بنام فقه اجتماعی است. بنابراین با عمل به دانش فقه، و احکام آن، خصوصاً احکامی که دارای ابعاد اجتماعی ویژه ای هستند از جمله نماز جمعه، نماز جماعت، جهاد، امر به معروف، یک همبستگی اجتماعی عمیقی در جامعه رقم می خورد که در جوامع دیگر، چنین درجه عمیق از همبستگی اجتماعی وجود ندارد. بنابراین دانش فقه منشأ انسجام و نظم ویژه اجتماعی و خویشنداری و تقوای اجتماعی خواهد بود بنحوی که بسیاری از قوانین اجتماعی بدون هرنظارتی به عمل انجامید و حکومت با یک مدیریت از متن جامعه - نه بر پایه فشار از بیرون - بر پایه فقه اسلامی، مشکلات خود را حل خواهد کرد. لذا تأثیر عمیق فقه اجتماعی و اهمیت آن در گام دوم انقلاب اسلامی در افزایش همبستگی اجتماعی جایگاه و نقش این دانش را برجسته تر خواهد کرد.

وظیفه فقیه اجتماعی: تطبیق واقعیت عینی اجتماعی با نصوص دینی

در حقیقت فقیه در فقه اجتماعی به دنبال تحقق دین در جامعه است (رک مصاحبه دکتر قاسم ابراهیم

پوربخش دوم، سایت وسائل) نه صرف افتاء و تبیین نگاه کارشناسی خود به مکلف. بلکه فقیه خود یک جامعه شناس است که در متن جامعه به واکاوی پدیده ها و آسیب های اجتماعی می پردازد و واقعیت اجتماعی را با نظریه ها و تئوریهای مستنبط از منابع و نصوص تطبیق می دهد. بنابراین عقل واقعیت عینی جامعه را با برداشت ذهنی متخذ از آیات و روایات پیوند می دهد که در این راستا نگاه فقه اجتماعی به فقیه با فقه کلاسیک کاملاً متفاوت خواهد بود.

در حقیقت فقیه اجتماعی، ساختارهای نهادهای اجتماعی در عصر نبوی و علوی را فهم کرده و با تمسک به شرایط اجتماعی عصرائمه علیهم السلام و واکاوی و رفتارشناسی شیوه های برخوردائمه علیهم السلام با جامعه، خود در قدم اول به ساختارسازی و شبکه سازی و نهادسازی در جامعه اسلامی می پردازد. در قدم بعد موضوعات اجتماعی را براساس پرسشهای اجتماعی شناسایی کرده و به پاسخهای اجتهادی در چارچوب این-ساختارها خواهد پرداخت و در طول زمان، نواقص این ساختارها را اصلاح یا ساختارهای جدید و کاملتری را بنا خواهد گذاشت. بنابراین فقیه اجتماعی کمتر با مکلف فردی درگیر بوده و بیشتر با مکلف اجتماعی و ساختارها و احکام مرتبط با آنها تعامل و ترابط دارد.

لذا اهمیت فقه اجتماعی در رویکرد ساختاری آن، و همچنین جنبه ساختارسازی آن برای جامعه است که موجب فراگیری عمل به دین در سطح جامعه است. بنابراین همانطور که در مورد علوم اجتماعی مدرن در غرب صادق است که آنها دانش اجتماعی را فقه نظام مدرن جهانی می دانند برای جامعه اسلامی نیز فقه نظام-ساز و ساختارساز بسیار حائز اهمیت است. لذا بر همین اساس است که امام خمینی ره فقه را، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور دانسته و حکومت را نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی بیان کرده است. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۲۸۹)

نیازمندی های اجتهاد در عرصه اجتماعی

استاد حکیم قائل است در فقه اجتماعی باید در چهار جهت بحث شود:

۱- منابع استنباط

۲- مبانی استنباط

۳- قواعد استنباط

۴- روش استنباط

آنچه در فقه اجتماعی بسیار حائز اهمیت است این است که فقیه خود جامعه شناس بوده و ششم فهم اجتماع را داشته باشد به این معنا که خود در حکمت نظری و فلسفه الاجتماع صاحب نظر بوده و بتواند وقایع و پدیده های اجتماعی را تحلیل کند. در این راستا آشنایی با علم جامعه شناسی در عصر حاضر به اندیشه اجتماعی یک مجتهد و اجتماعی اندیشیدن وی کمک بسیاری خواهد کرد.

از طرف دیگر یک فقیه اجتماعی باید بر اصول عامه محوری حقایق اسلام تسلط داشته باشد تا بتواند موضوعات اجتماعی و غایات احکام و احیاناً روش استنباط در احکام را اجتهاد کند. تسلط بر علم کلام که برخی علماء قدیم آن را مقدمه علم فقه به شمار آورده اند از این قسم است. مثلاً بحث ولایت فقیه، بخشی از اصول آن در علم کلام اثبات می شود و بعد در علم فقه تبعات فقهی و اجتماعی آن مورد بررسی قرار می -گیرد.

جهت سوم آشنایی فقیه با تاریخ و فضای اجتماعی صدر اسلام و زمان صدور روایات است که تسلط ویژه بر این عصر کمک زیادی به استنباط فقهی وی در عرصه اجتماعی و حکومتی خواهد کرد.

جهت چهارم آشنایی با سنن الهی در جامعه است که خداوند در قرآن بیان کرده و در روایات نیز آمده است. (رک حکیم، سید منذر ۱۳۸۸: ۲۳۵-۳۰۵ و رک زین العابدین ۱۳۹۲: ۱۸۱)

جهت پنجم: آشنایی با غایات احکام و بحث مقاصد الشریعه است که هدف شرع جعل این احکام چیست و متناسب با هدف شارع، مناط احکام بدست آمده و تنقیح مناط فقهی در عرصه فقه اجتماعی صورت گیرد.

جهت ششم که یک فقیه اجتماعی باید داشته باشد عالم به زمان بودن است به این معنا که عنصر زمان و مکان و شرایط اجتماعی را در عصر حاضر به خوبی تشخیص داده و توانایی تطبیق روایات را با توجه به شرایط عصر کنونی داشته باشد.

نکته مهم نهایی اینکه عنصر تعقل و قوت عقل و حدس فقیه در تطبیق شرایط اجتماعی و فهم

اجتماعی دوجامعه صدر اسلام و جامعه کنونی بسیار می تواند راهگشا باشد. لذا شخصیت هایی چون امام خمینی ره و شهید صدر و مقام معظم رهبری پیش از در این عرصه و در استنباطات اجتماعی هستند.

مدرسه اجتهادی شهید صدر و تاثیرگذاری آن در فقه اجتماعی

امروز مدرسه اجتهادی شهید صدر و شاگردان ایشان در عرصه فقه اجتماعی پیش از و بسیار تأثیرگذار است و به تبع شهید صدر خلاء عمیق تئوری پردازی در این عرصه را احساس کرده و تفکر و اجتهاد در این حوزه پرداخته اند. شهید صدر با طرح لزوم پرداختن به نظام اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی این بحث را شروع کرده و طرح نظامات را بر پایه سنت های الهی پایه ریزی کرد. لذا فقه شهید با فقه کلاسیک حتی در تعریف تفاوت جدی دارد.

از جمله شاگردان ایشان استاد سیدمنذر حکیم است که با نوشتن کتاب مجتمعا، اندیشه های اجتماعی شهید را تبیین کرده و خود نیز در این عرصه به اجتهاد و تحلیل و نظریه پردازی پرداخته است. در اینجا بر اساس توضیحات استاد حکیم و درس خارج ایشان به توضیح اجمالی مدرسه اجتهادی شهید صدر می پردازیم.

فقه اجتماعی و تفاوت در تعریف:

فقه در کتاب «معالم» چنین تعریف شده است: «العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصيلية» (عاملی، جمال الدین ۱۴۱۸: ۹۰)؛ اما تعریف شهید صدر از حکم شرعی چنین است: «التشريع الصادر من الله تعالى لتنظيم حياة الانسان» (صدر، ج ۶، ۱۴۲۱: ۶۳) از این تعریف ایشان، غایت مندی فقه برای نظام مندی و سامان دهی زندگی انسان برداشت می گردد.

به نظر شهید صدر در شیوه استنباط فقهی کنونی، ما از نصوص، استظهار می کنیم و این سبب حداقلی شدن فقه می شود، اما برای بدست آوردن نظام های مختلف از منابع، باید از منابع استنباط کرده و نظر دین را در این نظام ها از نصوص بفهمیم. بنابراین شهید صدر یک نگاه اجتماعی و نظام مند به فقه دارد که بیان می دارد اصول فقه موجود اصول فقه استظهاری است و

خلاء اصول فقه نظام احساس می شود.

معنای نظام سازی فقهی

استاد حکیم نظام را چنین تعریف کرده است: «مجموعه عناصر (اصول و قوانین کلی) مرتبط و هماهنگ (منسجم) که هدف مشخصی را تحقق می بخشد».

نظام، یک امر حقیقی است مانند نظام کیهانی، نظام زیستی، نظام بدن و خرده نظام های آن مثل سیستم عصبی می باشد. بنابراین اجزای مرتبطی که تحت یک کل قرار گرفته و با هدفی مشترک مشغول به فعالیت هستند، نظام نامیده می شوند. برخی دستاوردهای انسانی هم مانند مخلوقات، نظام نامیده می شوند، مثل نظام بانکی، نظام حمل و نقل.

باید توجه داشت که فقه نظام، فقهی کل نگر بوده و با نگاه جزءنگر موجود نمی توان به آن دست یافت و باید از منطق موجود سراغ منطق سیستماتیک و کل نگر حرکت کنیم. همچنین این اصطلاح مبتنی بر یک نگاه حدّ اکثری به دین است، و با نگاه حداقلی شریعت نمی توان از فقه نظام سخن گفت.

حال که بحث ما در نظام های فقهی است سوالی که در اینجا باید فقیه بدان پاسخ دهد این است که، آیا فقه الاقتصاد و فقه الاسره، و فقه الاجتماع با فقه نظام اقتصادی و فقه نظام خانواده و فقه نظام اجتماعی تفاوت دارد یا این واژه ها عینیت دارند.

سه دیدگاه در فقه نظام

یک دیدگاه فقه نظام را فقه حکومتی دانسته که به معنی ورود حاکمیت در حوزه های مرتبط با فقه؛ مانند مباحث قضا، امر به معروف و نهی از منکر، نماز جمعه می باشد. دیدگاه دیگر حوزه سیاست را حداکثری داشته و حتی نماز را هم سیاسی می داند.

دیدگاه سوم، دیدگاه شهید صدر است که بیان می کند نظام ها، مبتنی بر اندیشه هایی زیربنایی هستند که از احکام استخراج می شوند؛ مثلاً احکام مرتبط با حوزه اقتصاد را باید بررسی کرده و بر اساس اندیشه های مستنبطه از این احکام، به سمت ساخت نظام اقتصادی اسلام حرکت کنیم.

این، یک فرآیند استنباطی و استخراجی است و از این رو نیازمند فعالیتی فقیهانه است. البته چون سویه‌ای موضوعی دارد، نیازمند فعالیت بین‌رشته‌ای و ارتباط متخصصین با یکدیگر است. (maalem.ir)

راه رسیدن به نظام سازی فقهی

در رسیدن به نظام اسلامی مطلوب سه دیدگاه وجود دارد:

۱- نظام شناسی: شناخت نظام موجود در آیات و روایات است که تاکنون بدان پرداخته نشده و باید آن را شناخت و از منابع و روایات کشف کرد.

۲- نظام سازی: یعنی نظامی وجود ندارد و آن را باید ساخت، بدین معنا که مواد اولیه آن وجود دارد که باید استنباط شده و اصول مهندسی حاکم بر روی آن پیاده شود. این گروه مدعی هستند که اسلام نظامی نیاورده و تنها رهنمودهای اخلاقی و رفتاری را بیان کرده و اینها مواد اولیه ای هستند که دانشمندان خود باید نظام-سازی کنند. اختلاف اصلی مجتهدین نیز بر روی این مسأله است چون هر کدام براساس ذهنیات و مطالعاتشان نظام سازی می‌کنند. برخی از آن‌ها معتقدند اسلام و قرآن نظامی را مطرح نکرده و رهنمودهای قرآن، اخلاقی و رفتاری است. لذا تعبیر "نظام سازی فقهی" بکاربرده می‌شود. در صورت قبول این ادعا این سؤال مطرح می‌شود که چگونه این نظام ساخته می‌شود؟ اصول مهندسی در نظام سازی چیست؟ آنچه که ساخته می‌شود، آیا ساخته و پرداخته‌ی ماست؟ آیا این نظام حجیت دارد و بین شما و خداوند قابل احتجاج است؟. بر همین اساس میان نظام سازی و نظام شناسی تفاوت جدی وجود دارد.

۳- نظام پردازی: در این دیدگاه، نظام و کلیات آن در منابع وجود دارد ولی نیاز به پردازش دارد که نمونه ای در اینجا تبیین می‌شود:

سوره والعصر بیان کننده شاکله نظام اسلامی

سوره والعصر بیان کننده شاکله نظام اسلامی است. این سوره حداقل‌های یک نظام اسلامی - انسانی که انسان را نجات داده و از خُسَر بیرون می‌آورد را بیان می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید

«وَالْعَصْر، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ قسم به عصر، تمام انسان‌ها در تباهی و خسرانند.» منظور آیه از «وَالْعَصْر» عصر و زمان مشکلات است. منظور از خسران هم کوتاه آمدن از اصول ارزشی است. آیه بیان می‌دارد: کسانی که در سختی‌ها خود را می‌بازند گرفتار خسرانند. این آیه می‌خواهد یک اصل تربیتی را بیان کند و آن اینکه قرآن نفرمود "الا الذی آمن" و فرمود: "الا الذین آمنوا" یعنی به جای صحبت از فرد، از جامعه سخن می‌گوید که جامعه با چهار شرط خسران نمی‌بیند: جمعی که ایمان و عمل صالح داشته و در بین خود تواصی به حق و تواصی به صبر داشته باشند نجات پیدا خواهند کرد. پیش فرض تواصی در این صورت - که از باب تفاعل است - وجود یک جامعه مؤمن است. بنابراین سوره والعصر چهار رکن نجات دهنده انسان یعنی ایمان، عمل صالح، تواصی به حق و تواصی به صبر را بیان می‌کند. به عبارت دیگر هویت جامعه اسلامی به ایمانش است. عمل صالح نیز عامل اصلی پیشرفت و تکامل جامعه انسانی است که معیار آن مراعات حق و پشتوانه اش صبر است.

پس قرآن شالوده‌ی نظام اجتماعی اسلام را بر پایه چهار عنصر قرارداد اما اینکه این چهار رکن در جامعه چگونه مطرح و نهادینه شده و گسترش یابد این نیازمند پردازش است. باید بدانیم این نظام دارای ساختار دقیق و مشخصی است و تنها توصیه و پند نیست بلکه منظومه مرتبط به هم است. این نمونه نوعی نظام پردازی است که از ظاهر منابع اسلامی، اصول زندگی را باید استخراج کرد و نظریه-پردازی، متکفل این امر شده است.

نکته‌ای که باید ذکر شود این است که هریک از این نظام‌ها، یک مبانی و لوازم و اقتضائات دارند و آنچه که فقیه اجتماعی باید بدان پردازد این است که باید مبانی، قواعد، منابع و روش خود را (که ارکان استنباط فقهی هستند) پس از انتخاب یکی از این سه دیدگاه مشخص کند.

توقف نظام‌سازی بر دو نظریه خلافت و نظریه اجتماعی قرآن

شهید صدر تمام نظام‌های فقهی را متوقف بر فهم "نظریه اجتماعی قرآن" و "نظریه خلافت انسان" دانسته که منظومه فکری ایشان را از کتابهای فلسفتنا (که نظریه شناخت و شناخت خداوند را دربردارد) و مجتمعا واقتصادنا می‌توان بدست آورد.

در حقیقت مقدمه شهید صدر بر کتاب فلسفتنا آغاز بحث اجتماعی ایشان است. در آن مقدمه به

مسئله شناسی پرداخته و جهت نگاشتن کتاب فلسفتنا را تبیین کرده و مشکل بشریت را نبود یک نظام سالم و صالح برای جامعه بشری دانسته است. سپس می فرماید اگر بخواهیم جامعه را درست کنیم، باید روش شناخت و معرفت ما درست باشد (صدر ۱۴۲۴، ج ۱: ۱۹). لذا اول فلسفتنا را نوشتند و اولین بخش فلسفتنا، معرفت شناسی است. (همان: ۶۷) بنابراین در سیر منظومه فکری شهید صدر اول شناخت شناسی و سپس جهان شناسی و سپس جامعه شناسی قرار می گیرد.

استاد حکیم در کتاب مجتمعا که منظومه فکرا اجتماعی شهید را تدوین کرده براساس همین روش، ابتدا به مبانی نظریه اجتماعی و سپس به نظریه اجتماعی ایشان پرداخته و در ادامه به پیامدهای اجتماعی و سپس خرده-نظامهای اجتماعی اشاره کرده است.

نظریه و نظام

شهید صدر بین نظریه و نظام تفاوت قائل شده چون فقه نظریه با فقه نظام متفاوت است و همیشه هر نظامی مبتنی بر یک نظریه و هر فقه نظامی مبتنی بر یک فقه نظریه است. ایشان معتقد بود سه پرسش کلان در این بحث ها وجود دارد. بخشی از این ها را نظریه درجایی که پرسش از چیستی و چرایی باشد پاسخ می دهد و بخشی دیگر را اگر پرسش از چگونگی باشد نظام پاسخ می دهد. به عبارت دیگر نظریه، فلسفه را بیان می کند. مثلاً در پاسخ به سؤال "ماهیت جامعه و فلسفه وجود جامعه انسانی چیست؟" اگر فلسفه وجودی جامعه انسانی بیان شود یک نظریه اجتماعی تولید شده است. اما اگر از چگونگی سوال شود باز هم به دو قسم تبدیل می شود. اگر پرسیده شود که "چگونه است؟" یک بحث جامعه شناسی و علوم اجتماعی است و جامعه شناسی این را به شما جواب می دهد. اما اگر "از چگونه باید باشد"، پرسش کند، این همان است که ما در فقه نظام به دنبال آن هستیم. اینکه اقتصاد جامعه اسلامی، نظام اجتماعی، نظام خانواده و... چگونه باید باشد را نظام اقتصادی، نظام اجتماعی، نظام خانواده پاسخ می دهد..

بطور خلاصه تفاوت نظریه و نظام در چیستی و چگونگی این دو بحث است که برخی مباحث، فلسفی و هستی شناسانه است که به تولید نظریه می انجامد و برخی دیگر از سنخ باید ها و نبایدها

است که به رفتار ترجمه می شود و این قسم دوم مربوط به نظام است. شهید صدر معتقد بود فقیه باید برای منطقه الفراغ برنامه ریزی کند، یعنی متناسب با نیاز زمان برنامه ریزی ای داشته باشد، اما نباید هیچ اصل ثابت و هیچیک از اهداف تشریع را زیر پا بگذارد، (مصاحبه استاد حکیم ۱۳۹۸/۳/۱۹، ijtihadnet.ir)

استاد حکیم برای نظام ها، حداقل چهار نظام، را نام می برد. نظام خانواده، نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام آموزش و پرورش. برخی نهاد دین و در ذیل آن، مؤسسات دینی را که جزء لایتجزی انسان است به عنوان نهاد مستقل مطرح می کنند اما برخی آن را جزء نهاد آموزش و پرورش قرار دادند. (درس خارج فقه: ۱۶-۷-۹۰)

روش استنباط در فقه اجتماعی

روش استنباط فقیه بر اساس تطبیق عصر کنونی بر عصر ائمه علیهم السلام یک روش عقلی و نقلی و حدسی است. یعنی مجتهد در عرصه اجتماعی باید فضای اجتماعی صدر اسلام و بستر جامعه ای که در آن آیات و روایات صادر شده را فهم و کشف کند یا از گزارشات تاریخی، آن را بدست آورد و با جامعه کنونی خود مقایسه کرده و بسترهای اجتماعی را بایکدیگر مورد سنجش قرار دهد و سپس حکم آن روایات را متناسب با جامعه کنونی جاری کند. بنابراین تسلط تاریخی بر فضای اجتماعی صدر اسلام در اجتهاد یک فقیه اجتماعی تأثیر مهمی خواهد داشت.

جهت اینکه روش استنباط در عرصه اجتماعی را عقل گرفته ایم این است که بحث تطبیق احکام بر شرایط عصر کنونی وظیفه مجتهد اجتماعی است. بنابراین حکم اجتماعی در چارچوب ساختاری عصر حاضر و با مناسبت اجتماعی کنونی باید تطبیق داده شود و این تطبیق کار بست عقل و حدس در فضای وحی و نقل است. به عبارت دیگر فقیه باید روح شریعت را در فضای اجتماعی درک کرده و برفضای اجتماعی خود تطبیق دهد.

در حقیقت فقیه با نگاه عاملیت-ساختار به کشف پدیده های اجتماعی در عصر ائمه خواهد پرداخت و همچنین بر ساخت های اجتماعی را از شرعیات اجتماعی تفکیک کرده سپس احکام این پدیده ها را بر اساس مناسبت صدور حکم در شرایط و بسترهای اجتماعی آن زمان کشف می کند.

حال اگر شرع بر ساخت های اجتماعی را امضاء کرده این احکام در مورد بر ساخت های اجتماعی در عصر حاضر جاری است و الا آنچه شارع در مورد جامعه وضع و تأسیس کرده به عصر کنونی نیز سرایت داده می شود. شهید صدر نظریه تفصیلی در این زمینه دارند که در تبیین آن پرداخته می شود.

روش شناسی فقه اجتماعی شهید صدر

موضوع یابی، مسأله شناسی و روش شناسی سه گام مهم در شناخت مباحث اجتماعی شهید صدر است. شهید صدر بیشترین تأکید را بر روی روش شناسی داشتند و مهمترین مسئله ای که ایشان را به این جایگاه و منزلت رساند منهجی بودن و روشمند بودن ایشان در تمام مباحث علمی بود که در آثار علمی ایشان هویداست. ایشان در هر بحثی که وارد شده اند، اول موضوع شناسی کرده اند که موضوع شناسی ایشان نیز به سبک مسئله شناسی است.

به روش شهید صدر قدس الله سره، همیشه نظریه باید با تطبیق و تعیین مصداق همراه باشد. این سنت الهی است که وقتی راجع به هدایت صحبت می کند بر روی مصداق آن هم توجه داده می شود چنانکه در سوره حمد مصداق صراط مستقیم را مشخص کرده چراکه بسیاری از اوقات، مصداق می تواند جلوی انحراف در تطبیق را بگیرد.

روش اکتشاف نظریه شهید صدر

ایشان در آغاز کتاب المدرسه القرآنیه روشی را در تفسیر موضوعی طرح می کنند (صدر ۱۴۲۴، ج ۱۹: ۳۳) که اگر می خواهید به علم برسید باید سؤال داشته باشید و بدون داشتن سؤال نمی توان پژوهش کرد. ایشان بیان می کند که وقتی که سؤالات شما تمام نشدنی باشد، قرآن نیز تمام نشدنی بوده و توصیه می کنند که با سؤال به سراغ قرآن بروید تا قرآن پاسخگوی شما باشد. قرآن هم می فرماید: «فاستلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» (نحل ۴۳) سپس موضوع مهمی که مطرح می کند سنت های تاریخ است و چند سؤال نسبت به این موضوع مطرح کرده و بیان کرده که حال باید به سراغ قرآن برویم و ببینیم قرآن چه پاسخی برای این سؤالات دارد. ایشان

در ادامه می‌فرماید: این نظریه خلافت اساس فقه ماست و اگر کسی نظریه خلافت را خوب متوجه نشده باشد، نظام فقهی اسلامی ما را خوب نخواهد فهمید.

ایشان در کتاب اقتصادنا در تبیین روش اکتشاف نظریه و حرکت از روبناهای تفصیلی به سمت اکتشاف زیربناها، بیان می‌کند که اگر اعتقاد به یکپارچگی و هماهنگی احکام با همدیگر بر اساس نظریات زیربنایی نبود، هیچ توجیهی برای ممارست عملیات اکتشاف در ورای مدلولات تفصیلی نبود. و این اعتقاد زمانی صحیح است که فقیه واقعیت تشریع اسلامی را به عنوان مبنا پذیرفته باشد. (صدر ۱۴۲۴، ج ۳: ۴۶۴)

در تبیین نگاه و روش فهم نظام‌مند و اجتماعی فقه، بنیادها و اصول نظری شیعه به عنوان الگوهای این روش می‌باشد همچون حسن و قبح عقلی، ابتناء احکام بر مصالح و مفاسد، فتح باب اجتهاد، ایمان به تخطئه، این قاعده که هر حکمی واقع‌ای دارد (ما من واقعٍ الا و لها حکم)، تقسیم احکام به واقعی و ظاهری و منطقه الفراغ نمونه قواعدی است که فقه را در قالب یک کل و مجموعه نشان می‌دهد. این قواعد نشان می‌دهد که شارع در همه ساحات زندگی انسان هدایت‌گری دارد. این قوانین، مرتبط و هماهنگ با هم و به‌سوی تکامل اعتقادی و رفتاری و عاطفی هستند؛ مثلاً عدالت در مورد زن در مجموعه فقه رعایت می‌شود به طوری که مثلاً نفقه زن مسأله ارث زن را حل می‌کند.

نکته ای که ذکر آن در این لازم است اینکه شهید صدر در بدست آوردن نظامات اسلام پیش فرضی دارد که به جهت احتمال خطا در استنباطات فقهی، میان واقعیت تشریع اسلامی و صور اجتهادی - که مجتهد در اثر ممارست با نصوص به استنباط آن می‌پردازد- فرق گذاشته است. (صدر ۱۴۲۴، ج ۳: ۴۶۲ و ۴۶۳) بر اساس این پیش فرض، واقعیت تشریع اسلامی در زمینه های متفاوت نظریه از جمله مکتب اقتصادی و اجتماعی نه معلول نظریات ارتجالی و تصادفی نسبت به هم است و نه معلول نظریات متمایز و مستقل از هم؛ بلکه بر اساس نظام واحد و منسجم و زمینه مشترکی از مفاهیم است که از واقعیت اسلام در شئون مختلف حیات سرچشمه می‌گیرند. همین پیش فرض، ما را بر آن می‌دارد که احکام را به عنوان روبنا اعتبار کنیم و در ورای آنها برای حصول به نظریات عمیق تر و گسترده تر و منسجم با آن روبناها دست به تلاش بزنیم. و

اگر این پیش فرض نبود ، هیچ توجیهی برای ممارست در عملیات اکتشاف نظام ها در ورای احکام تفصیلی شریعت وجود نداشت. بنابراین دستیابی به یک نظام کامل نسبت به واقعیت تشریع اسلامی امکان پذیر بوده اما هیچ ضرورتی وجود ندارد که اجتهاد مجتهدین ، انعکاس دهنده یک نظام اجتماعی یا اقتصادی کاملاً منطبق بر شریعت اسلامی داشته باشند. البته کشف نظریه، عملی مستقل از استنباط احکام نبوده بلکه دنباله ضروری آن است. (صدر ۱۴۲۴، ج ۱۹: ۳۹)

روش تفسیر موضوعی شهید صدر و جاری کردن آن در فقه

شهید در کتاب المدرسه القرآنیه به روش تفسیر ترتیبی و تجزیه ای که مجرد تفسیر لفظی قرآن از ابتدای آن است و در طول این ۱۳ قرن این روش بین علما حاکم بوده اشاره کرده و آن را مانع رشد و استنباط و نوآوری مطابق عصر و زمان کنونی دانسته و روش تفسیر موضوعی را به عنوان جایگزین آن مطرح کرده است.

در این روش در ابتدا مفسر،- بر خلاف رویکرد تجزیه ای که حرکت از نصوص به واقعیت است- عملیات تفسیر را از نص قرآنی آغاز نمی کند بلکه واقعیتهای بیرونی موضوعی را گزینش کرده و اطلاعات ، تجارب بشری ، معضلات و مشکلات حول موضوع را گردآوری و تنظیم می کند و با ذهنی خلاق و سؤالاتی نظام مند و مدبرانه با قرآن کریم به گفتگو می پردازد و او را به استنتاج درمی آورد. بنابراین مفسر در این حالت صرفاً استماع کننده نیست بلکه فعال و دارای نقش ایجابی است. هدف مفسر در این رویکرد ، یک گام فراتر از تفسیر تجزیه ای است. تفسیر تجزیه ای در مدلولات تفصیلی قرآنی متوقف می شود ، در حالیکه تفسیر توحیدی موضوعی در جستجوی چیزی بیش از این است ؛ اینکه بر گستره ای وسیعتر آگاهی و تسلط یابد ، اینکه در ورای مدلولات تفصیلی به وجوه ارتباطی میان آنها دست یابد و در نهایت مرکب نظری قرآنی را اکتشاف نماید. این همان چیزی است که امروزه «نظریه» نامیده می شود.

وجه تسمیه این رویکرد را می توان از دو زاویه تبیین نمود : از طرفی مفسر با برگزیدن یک موضوع از واقعیت حرکت خود را آغاز می کند و با عرضه اطلاعات و تجربه بشری بر متن قرآن، میان این

دو وحدت ایجاد می کند. البته این هرگز به این معنی نیست که تجربه بشری را بر قرآن حمل کنیم یا قرآن در مقابل تجربه بشری منفعل باشد، بلکه به این معنا است که میان ایندو در سیاق بحث واحد، وحدت ایجاد شود. و از طرف دیگر در این رویکرد، مجموعه ای از آیات مشترک حول یک موضوع گزینش می شود و به این جهت که میان مدلولات این آیات برای استخراج یک نظریه واحد هماهنگی و انسجام صورت می گیرد، توحیدی نامیده می شود.

شهید صدر روش تفسیر موضوعی خود را که از حرکت از واقعیت به متن است در فقه جاری کرده به این معنا که ما از واقعیت خارجی سوالهای اصلی و فرعی استخراج کرده و سپس سراغ متن می رویم.

به طور خلاصه می توان گام های شهید صدر برای اکتشاف نظریه قرآن را به صورت زیر ارائه نمود:

گام اول: تعیین موضوع و شناخت عناصر، اجزاء و خصایص واقعی آن.

گام دوم: تعیین مجموعه سوالات منظم حول موضوع

گام سوم: جمع آوری نصوص مرتبط بای نحو کان.

گام چهارم: مباحثه و محاوره سوالات گردآوری شده با نصوص جمع آوری شده و اکتشاف مجموعه مدلولات تفصیلی.

گام پنجم: ترکیب مجموعه مدلولات تفصیلی، کشف ارتباط و تنظیم آنها در ذیل یک مرکب نظری واحد. (حکیم ۱۴۳۰: ۷۰).

نظریه اجتماعی شهید صدر

شهید صدر نظریه اجتماعی خود را براساس نظریه خلافت انسان مطرح می کند و کسی که این نظریه را خوب متوجه شود فقه و نظام های فقهی را متوجه شده است والا استنباط فقهی بدون فهم این نظریه، سطحی و غیر عمیق خواهد بود. ایشان با نگاه کاملاً قرآنی، فلسفی و اجتماعی موضوع خلافت را مطرح می کند و در کتاب المدرسة القرآنية در بحثهای سنت های تاریخ، سنت های اجتماعی، و بحث عناصرالمجتمع زیربنا و مبانی این نظریه را مطرح کرده اند. خروجی این

نظریه، نظام اجتماعی اسلام است که باید کلان نظام اجتماعی اسلام و خرده نظام های سیاسی، اقتصادی، تربیتی، خانواده را در پرتو این نظریه لحاظ کرد.

جایگاه خرده نظام فقه خانواده در کلان فقه اجتماعی

فقه نظام جامع خانواده در اسلام یکی از خرده نظام های کلان نظام اجتماعی است، این خرده نظام خود چندین خرده نظام را در بر می گیرد؛ نظام تشکیل خانواده، نظام حقوق خانواده، نظام مدیریت خانواده، نظام تربیت خانواده، نظام سلامت خانواده، نظام اقتصاد خانواده، نظام روابط اجتماعی خانواده، نظام انحلال خانواده، خانواده و محیط زیست، خانواده و نظام حاکم که هر کدام از اینها یک منظومه فقهی باید داشته باشد. مثلاً کسی که می خواهد در اقتصاد خانواده کار کند لازم است ارتباط اقتصاد به تربیت، مدیریت، حقوق و روابط را ببیند تا بتواند در نظام اقتصاد خانواده نظر دهد و یا کسی که در ارتباط با نظام حاکم و خانواده می خواهد کار کند باید همه این خرده نظام ها را مطلع بوده و کلان نگر باشد و روابط این اجزا با یکدیگر را ببیند تا بتواند در خصوص آن مورد نظر دقیق و صائب دهد. (<https://hawzah.net>)

استاد حکیم در بحث فقه خانواده، موضوع و عنوان بحث را بر محور خانواده - و نه مکلف فردی - که بدنال ازدواج است قرار داده و لذا به دنبال حکم تشکیل خانواده واحکام تبعی آن است. بنابراین مبنا در تعریف خانواده می توان گفت کوچکترین واحد اجتماعی که مبتنی بر ازدواج است و تولید نسل هم به عنوان پیامد آن خواهد بود هر چند بدون فرزند خانواده محقق می شود

(درس خارج استاد حکیم ۹۶/۱/۲۸، سایت www.eshia.ir)

ایشان اولین تحوّل فقهی در بحث نکاح را تغییر عنوان دانسته که از عنوان فردی (نکاح) به عنوان اجتماعی (تشکیل خانواده) تغییر پیدا کرده و مَعْنَوْن هم به طبع آن تغییر پیدا کرده است و لذا سراغ تعریف نظام و عرضه مجموعه ای اجزا رفته اند؛ در نتیجه بحث نکاح از عنوان فردی به کل که دارای اجزا هماهنگ است و از نگاه فردی به نگاه اجتماعی هم تغییر پیدا کرده و احکام شرعی هم از تعامل دو فرد به تعامل خانواده خواهد رسید. در نتیجه اگر در نگاه فردی حکم استحباب نکاح آمده ولی در نگاه اجتماعی این حکم شاید به وجوب ازدواج برسد (همان: ۹۶/۱/۲۷).

سنت‌های تکوینی خانواده

نظام تکوین بستر رسیدن به نظام تشریع است و تا ما به نظام تکوین به صورت کامل علم پیدا نکنیم نظام تشریع به صورت ظاهری برای ما روشن نمی‌شود و به عمق مباحث خانواده و سنت‌های حاکم بر جامعه و خانواده نمی‌رسیم و مشکلات بنیان خانواده به صورت سطحی معالجه می‌شود.

از شواهد و ادله‌ای که دال بر بستر و زمینه ساز بودن نظام تکوین برای نظام تشریع است سوره «أعلى» می‌باشد.

در این سوره دو دستور بیان شده: ۱- دستور به تسبیح خداوند «سَبِّح اسم ربك الاعلى»

۲- عمل کردن در کنار تذکیر، «و ذکر اسم ربه فصلی» (رک درس خارج استاد حکیم

۱/۰۶/۷۹۵، سایت www.eshia.ir)

شهید صدر در بحث سنت‌ها سه سنت را مطرح می‌کنند. «سنت مطلق» «سنت مشروط» و «سنت موضوعی»

۱- سنت‌های مطلق به سنت‌هایی می‌گویند که تخلف ناپذیر است. ۲- سنت‌های مشروط به اراده انسان وابسته است و قابل تخلف است. ۳- اگر سنتی در کوتاه مدت قابل تخلف باشد ولی در دراز مدت قابل تخلف نبود سنت موضوعی شکل می‌گیرد. مثلاً انسان می‌تواند ازدواج نکند ولی نتیجه عدم ازدواج نابودی جامعه است و انسان حبّ بقا و نیاز به جنس مخالف و نیاز استمرار وجودی انسان در نسل او و.. همه اینها انسان را به سمت ازدواج می‌کشاند. (رک صدر ۱۴۲۴، ج ۱۹: ۸۹ و حکیم ۱۴۳۰: ۲۷۶)

سنت‌های تکوینی خانواده عبارتند:

۱. سنت ازدواج (یک قانون عام الهی است و در تمام جوامع اعم از انسان و حیوان و جماد وجود دارد)

۲. توالد و تناسل

۳. تکامل انسان

۴. امتحان، به عنوان یک مسیر طبیعی پیش روی انسان.

۵. سنت تفاضل و تماثل (در عین اینکه مرد و زن تشابه دارند ولی فرق‌هایی هم دارند) بر اساس اشتراک و اختلاف بسیاری از قوانین تشریعی شکل گرفته چرا که نظام تکوین بستر نظام تشریع است.

۶. سنت کفویت

۷. سنت تدافع (برخی برخی دیگر را دفع می‌کنند)

۸. سنت اختیار (انسان بر اساس اختیار حرکت می‌کند)

۹. سنت هدایت ذاتی

۱۰. سنت قیمومت مرد بر زن در نظام تکوینی خانواده

۱۱. نیاز انسان به حضانت و پرورش در دامن خانواده

۱۲. سنت حکمت و عدالت الهی (آیات زیادی از قرآن دال بر حکمت خداوند است)

(درس خارج استاد حکیم ۱/۰۶/۹۵، سایت www.eshia.ir)

تفاوت منهجی مدرسه فقهی شهید صدر با مکاتب فقهی دیگر

یکی از ویژگی‌های مهم مدرسه اجتهادی شهید صدر توجه به فلسفه الاجتماع پیش از پرداختن به فقه اجتماعی است و چنانکه در بالا اشاره رفت، عدم پرداختن به سنت‌های تکوینی موجب عدم فهم فقه اجتماعی و فهم کلان جامعه و خرده نظامها می‌شود. این روش در حوزه نجف و نسبت به فقه کلاسیک بدیع بوده و در حوزه قم مکتب امام خمینی و علامه طباطبایی به این روش نزدیکند. اما اولین کسی که تصریح به این منهج کرده و آن را در دروس خود طرح و نهادینه می‌کند این شهید بزرگوار است. چراکه در اکثر مکاتب فقهی میان تمام علوم یک فاصله و جدایی انداخته و به هر علمی بصورت جداگانه پرداخته اند و به استفاده و تعامل حداقلی علوم بایکدیگر در سطح مبانی اکتفا کرده اند، هرچند که بسیاری از این علما، ذوفنون و جامع معقول و منقول بوده اند. اما شهید صدر با نگاه کلان و سیستمی خود، بین تمام این علوم ارتباط قائل شده و عملاً، یک نگاه بین رشته ای را در علم فقه، ایجاد کرد که تبدیل به یک جریان در میان شاگردان برجسته ایشان در فقه‌های مضاف گردید. چنانکه آیت الله شاهرودی در فقه القضا و آیت الله حکیم در فقه خانواده و آیت الله اراکی در فقه شهری، ورود کرده و نظریات بدیعی در این حوزه‌ها ارائه کردند.

در نتیجه در نگاه اجتهادی مدرسه شهید صدر، اهتمام به فلسفه الاجتماع و فلسفه الاقتصاد و نظامات فرهنگی و اقتصادی برای اجتهاد در فقه اجتماعی و فقه اقتصادی بارز و این مدرسه پیش از بررسی ادله فقهی، به فلسفه فقهی آن مسئله می پردازند که این روش در نوع خود بدیع بوده و کمتر مکتب فقهی به این امر توجه کرده اند. بنابراین چنانکه بیان شد شهید صدر تمام نظام های فقهی را متوقف بر فهم "نظریه اجتماعی قرآن" و "نظریه خلافت انسان" دانسته و براساس این دو، شاکله نظام فقهی و اجتهادی خود را چیده است.

نتیجه گیری

دانش جدید التأسيس فقه اجتماعی با نگاه شبکه ای خود در کنار فقه های مضاف دیگر، بدنبال حل مشکلات و سؤالات سیستمی جامعه است. فقیه این عرصه، باید خود جامعه را بشناسد و بتواند با نگاه کلان مقایسه ای و ذهن کلی نگر خود، با تمسک به قاعده ترجیح ارجح، و یا دفع افسد به فاسد و یا حکم لزوم حفظ نظام و یا حکم مصلحت نظام و احکام دیگر در تراحمات اجتماعی، حکم ارجح را در سیستم جاری کند.

در حقیقت فقه کارآمد در گام دوم انقلاب اسلامی با نگاه کلان نگر، و مسئله محور خود بدنبال حل مشکلات و تراحمات اجتماعی باید باشد و اگر این نگاه در استنباط فقهی فقها جریان پیدا نکند علم فقه جای خود را به علوم دیگر علوم خواهد دهد و جایگاه مرجعیت فقهی شیعه، از مرتبه خود به شدت تنزل خواهد کرد.

روش اکتشاف نظریه شهید صدر افق نوینی را برای عرصه فقه اجتماعی گسترانده و می تواند نظریات جدیدی در این حوزه، در تبیین نظامات اجتماعی ارائه کرد.

کتابنامه

-
- الاعرجی، السید زهیر، مبانی النظرية الاجتماعية فی الاسلام، نشر العلمية، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- اعرافى، علیرضا، تدوین: سربخشی، علی، ۱۳۹۰، وحدت حوزه و دانشگاه، قم، مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
- ، تدوین: آزادی محمد، ۱۳۹۶، گفتارهایی در باب حوزه و تمدن و انقلاب اسلامی، قم، مؤسسه اشراق و عرفان
- بجنوردی، سید حسن، قواعد فقهیه، محقق: مهریزی، مهدی، درایتی، محمد حسن، نشر الهادی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۹ق.
- جوادی، محسن، حکمت عملی شیخ الرئيس، نشر چنار، همدان، ۱۳۹۱ش
- حسین زاده، علی محمد، فقه و کلام، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸.
- حسینی ژرفا، علیدوست، ابوالقاسم، مقصدهای شریعت، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- حکیم، سید منذر، مجتمعنا فی تراث الشهيد سید محمد باقر الصدر، المجمع العالمی للتقريب بین المذاهب الاسلامیه، تهران، ۱۴۳۰ق
- خراسانی، محمود بن عبد السلام تربتی شهابی، ادوار فقه (شهابی)، ۳ جلد، سازمان چاپ و انتشارات، تهران - ایران، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ هـ ق
- دورکیم، امیل، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه پرهام، باقر، نشر مرکز، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۶.
- رضا، عبدالمطلب، فقه الاهداف فی فکر شهید الصدر، منشورات المحبین، چاپ اول ۲۰۱۴م.
- زنجانی، عباس علی عمید، فقه سیاسی (عمید)، ۳ جلد، انتشارات امیر کبیر، تهران - ایران، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ هـ ق

- زین العابدینی، شیخ موسی، جامعتنا، نشر تحسین ما، قم، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش
- سبحانی، جعفر، گردآوری و تحقیق: واحد پژوهش مدرسه عالی نواب، نشر عروج اندیشه، مشهد ۱۴۳۱
- الصدر، للسید محمد باقر، الفتاوی الواضحة، مطبعة الآداب، النجف الأشرف، بی تا.
- ، فلسفتنا (موسوعة الشهيد الصدر، ج ۱) مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر، چاپ اول، قم، ۱۴۲۴ ق
- ، اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر ج ۳) مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر، چاپ اول، قم، ۱۴۲۴ ق
- ، الإسلام يقود الحياة (موسوعة الشهيد الصدر ج ۵) مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر، چاپ اول، قم، ۱۴۲۴ ق
- ، المدرسة القرآنية (موسوعة الشهيد الصدر ج ۱۹) مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر، چاپ اول، قم، ۱۴۲۴ ق
- ، دروس في علم الأصول، الحلقة الأولى (موسوعة الشهيد الصدر ج ۶) مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر، چاپ اول، قم، ۱۴۲۴ ق
- طباطبایی، محمد حسین، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه حجتی کرمانی، محمد جواد، بوستان کتاب، چاپ دوم، قم ۱۳۸۹
- عاملی، جمال الدین، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین (قسم الفقه)، مصحح: سید منذر حکیم، مؤسسة الفقه للطباعة والنشر، چاپ اول، قم ۱۴۱۸ ق.
- فارابی، محمد بن محمد، احصاء العلوم، مقدمه و شرح بوعلی، بیروت، مكتبة الهلال، ۱۹۹۶ م
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، تهران ۱۴۰۶ ق
- مقیمی، غلامحسین، کارآمدی روش اجتهادی امام خمینی در تولید اندیشه فقهی سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ ق
- موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲
- نظری، عبدالله، ارزشها و هنجارهای مطلوب اجتماعی از منظر اسلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی، قم، چاپ اول ۱۳۹۵.

مجله

صدرا، علوم انسانی اسلامی، فصلنامه تخصصی، سال ششم، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۶

سایت‌ها

[http: vasael.ir](http://vasael.ir)

maalem.ir

[https: hawzah.net](https://hawzah.net)

www.eshia.ir

ijtihadnet.ir

